

# حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان

تهیه و تنظیم

سیدعلی موجانی علی بهرامیان

سما، ایفه علی ارغون چینار

انتشارات عظام

۱۳۹۴

عنوان و نام پدیدآور	: حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان / تهیه و تنظیم سیدعلی موجانی... [و دیگران].
مشخصات نشر	: تهران: عظام، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۹ ص:، ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۱۰-۰۲-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: تهیه و تنظیم سیدعلی موجانی، علی بهرامیان، سیما طایفه، علی ارغون‌چینار.
موضوع	: قرآن -- نسخه‌های خطی -- فهرست‌ها
موضوع	: نسخه‌های خطی -- افغانستان -- فهرست‌ها
شناسه افزوده	: موجانی، سیدعلی، ۱۳۴۸-
رده‌بندی دیوید	: ۱۳۹۴ ح ۸ ق ۱۱/۲۶۶ Z
شماره	: ۰۱۱/۳۱
	: ۴۰۸۶۳۷۰

### حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان

تهیه و تنظیم: سیدعلی موجانی، علی بهرامیان، سیما طایفه، علی ارغون‌چینار

حروفچینی و صفحه‌آرایی: فریاد محمد پور وایقان

طراحی روی جلد: حسین زریاب

ناشر: عظام

نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۹۴

چاپخانه: گل‌وردی - قم

لیتوگرافی: تیزهوش - قم

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: علی حاجی باقریان

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۱۰-۰۲-۶

## فهرست

پیشگفتار..... ۷

فهرست توصیفی نسخه‌های قرآن‌های ناپیدای افغانستان..... ۱۳

نمایه کاتبان..... ۱۳۵

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

## پیشگفتار

حکایت «ران‌ها» پدیدای افغانستان، داستانی است متعلق به دو دهه پیش، ایامی که نگارنده مسرور کرمرست نویسی در انستیتوی نسخه‌های خطی ابوریحان بیرونی وابسته به آکادمی علوم و ادبیات جمهوری ازبکستان بود. روزهای سرد و غمناک پاییزی و اخبار نگران‌کننده درباره زحولات کشور همسایه ازبکستان، افغانستان، موضوع گفت‌وگوهای معمول فرصت‌ی چشت در میان وعده با استاد و مورخ بزرگ ازبک، عصام‌الدین اُورن بایف بود.

استاد نگران از سرنوشت میراث کهن و گرانمای مردم مشرق زمین که در شرایط جدال و درگیری‌های میان ناهلان احتمالاً بهودی آنها می‌رفت. او از خاطرات خود مقارن روزهای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سخن‌ها داشت و از تلاش و کوشش جمعی فرهیختگان ازبک که در آن شرایط دادرار بر آن شدند که میراث ماندگار موجود در سرزمین‌های تاریخی بزرگی چون بخارا و سمرقند، خوارزم و خوقند، اندیجان و نمندگان، فرغانه و زرافشان را پاسبانی نمایند. سخن او اشاره به وظیفه سترگ اهل تحقیق بود تا در شرایط بحران‌زده‌ی که آن روزها شاهدش بودیم بکوشند میراث ملتی را پاس داشته و از گزند حوادث مصون دارند. در چنین حال و هوایی روزی یک شخص کهنسال از سرزمین تاریخی افغانستان به دیدار استاد آمد. از رابطه دوستی میان آن دو چنین دریافت می‌شد که

دیرزمانی است این ارتباط برقرار بوده است. زبان گفت‌وگوی میان آن دو ازبکی بود و گهگاه با توجه به حضور اینجانب در کنار استاد، زبان، به فارسی نیز می‌چرخید. از گفت‌وگوها چنین دریافت شد که مجموعه ای نفیس از قرآن‌های تاریخی افغانستان در خطر قرار گرفته‌اند. این مجموعه که پیرمرد افغان از آنها یکی دو نسخه را همراه داشت آثاری گرانسنگ و دارای ارزش فراوان بودند. با این همه، در حواشی پیرمرد کهنسال آن بود تا استاد برای این مجموعه ارزشی تعیین نماید. استاد اُرن با ت به لحاظ هنری خطوط و اوراق آن دو نسخه موجود سخنانی بیان داشت، پس از کمترین خواستند تا به بررسی دقیق نسخه‌ها پرداخته بلکه اطلاعات افزونی استخراج گردد. قریب به ۴ ساعت از زمان کاری ما در آن روز اختصاص به بررسی این نسخه نفیس یافت. آنچه موجب حیرت می‌شد ارزش این نسخه‌ها بود. در نگاه اول نظر ما بر این آثار بایستی از مجموعه‌های بسیار باارزش و مهم داخل افغانستان باشد، پیرمرد افغانستانی نه از مبدأ نسخه‌ها سخن می‌گفت و نه استاد اُرن بایف اجازه می‌داد تا با پرسشگری بیشتر بر کنجکاوای فائق گردم، پس سخن کوتاه شد و مجال برای بررسی اوراق نسخه‌ها فراهم گشت.

آن روز از مجموعه وقتی که صرف این امر شد دو برگ دست‌نویس تهیه و در اختیار استاد اُرن بایف قرار گرفت. پیرمرد افغان مشعوف از این درون اطلاعات پُرسا آن بود که آیا می‌تواند تصاویر و برخی از دست‌نوشته‌های دیگری که توصیف این قرآن‌ها را شامل می‌گردد عرضه داشته تا بر اساس الگوی تهیه اطلاعات نسخه‌شناسی دو اثر پیش‌گفته کار بر روی آنها انجام گردد. بدیهی بود که این امر برای نگارنده فرصتی بود تا بر کیفیت و ارزش این مجموعه، نیز کمیّت آن وقوف یابد، لذا با کمال امتنان نظر مساعد خود را بیان داشتم.

سه روز پیوسته پس از این دیدار پیرمرد که نام آن عبدالحلیم بود و خود را از اهالی مناطق شمال افغانستان معرفی می‌کرد تصاویر صفحات نخست ۲۱۶ نسخه

خطی دیگر را که به صورت سیاه و سفید تهیه شده بود به همراه برخی از یادداشت‌های پراکنده فهرست‌نگارانی ناشناس در اختیار اینجانب قرار داد. طی این مدت کار بررسی این مجموعه با همین مختصر داده‌ها مورد توجه قرار گرفت و در سرانجام، فهرستی ناقص اما منظم آماده شد. پیرمرد افغان طلب داشت این فهرست را با خود به خارج از منطقه ببرد تا بلکه مخاطبانی پیدا کند و این آثار را به آنها عرضه نماید.

یادداشت‌های آن روز یک رونوشت به عنوان خاطره آن کار چند روزه در مجموعه فیش‌ها و دست‌نوشته‌های پراکنده اینجانب باقی مانده بود. سیر حوادث و رخداد ای بس تلخ که گهگاه اخبار آن از رسانه‌ها دنبال می‌شد همواره موجب نگرانی‌ام بود که سر این آثار و مجموعه‌ها چه آمده است. آیا آنها کماکان در افغانستان باقی ماندند و اگر چنین است کدام گنجینه‌ها را شامل می‌شوند: مجموعه‌های موجود در آرشیو است جمهوری یا نسخه‌های موجود در آرشیو و کتابخانه ملی افغانستان؟ در کتابخانه دانشگاه کابل جای گرفته‌اند یا در میان مجموعه‌های شخصی یک خاندان؟ آیا به دست دلالان فرصت‌جویی افتاده که آثار را پاره‌پاره عرضه می‌دارند تا از آن طریق منافع نامشروع خود را کامل نمایند و یا اینکه آثار اینک در دل کتابخانه‌ها و موزه‌ها، کسورهای بیگانه جای گرفته‌اند و میراث پرارزش تاریخی ملتی در شرق، مأوی بی در غریب یافته است؟

این پرسش‌ها و نمونه‌های دیگر مشابه آن طی این دو دهه بر ذهن نگارنده سنگینی می‌کرد تا اینکه دست قضا چنین رقم زد دوست دربار - دکتر علی ارغون‌چینار در موقعیت محقق ارشد مؤسسه تیکا به کابل عزیمت نمایند. روحیات شخصی وی در تتبع و پیگیری موضوعات برابر آن داشت تا وی را در جریان این داستان قرار دهم. تلاش مشارالیه هم علی‌الظاهر سودی نداشت و از آثار گزارشی به دست نیامد تا اینکه به پیشنهاد ایشان بر آن شدم این فهرست را در شکل تازه‌ای آماده انتشار نمایم. محقق فاضل و پرتلاش دکتر علی بهرامیان بزرگوارانه پذیرفت

که نسبت به ویرایش اطلاعات هم یاری نماید و سرکار خانم سیما طایفه نیز با حوصله و دقت اطلاعات پراکنده و آشفته را سامان داده در شکل کنونی منظم نمودند. در چنین وضعیتی استاد دکتر ارغون چینار اطلاع دادند: یک خیر نیکوکار از ترکان مقیم کابل پذیرفته‌اند هزینه‌های انتشار این اثر را با هدف خدمت به قرآن و فرهنگ افغانستان و با امید به امکان شناسایی این مجموعه و گردآوری مجدد آن توسط دولت جمهوری اسلامی افغانستان برعهده گیرند. از این رو فرصت را غنیمت دانسته و پیشنهادی به سبب آقای علی ارغون چینار را فرصتی مناسب تشخیص داده و اثر را در کتابخانه کنونی به نشر سپردیم.

برای نگارنده که اسامی و تصاویر برخی از این نسخه‌های نفیس را با کیفیت نامطلوب مشاهده نمود، بود این آرزو همواره بوده و هست که سرانجام روزی بتوانند همچون آن دو نسخه بدال‌الحلیم، امکانی به دست آید تا سایر نسخه‌های این مجموعه را از نزدیک مشاهده نمایند. از این رو این امید است که پس از انتشار این وجیزه از دانش موجود درباره نسخه‌های نابیدای قرآن افغانستان، مراجع رسمی در کشور دوست و برادر افغانستان با همکاری رسمی آن گردند که این آثار را شناسایی و اگر در افغانستان است در معرض دید درآید و چنانچه مورد دستبرد واقع گردیده و در اماکن دیگر خارج از خاک افغانستان نگهداری می‌شوند، آنها را طلب نمایند و به میراث ملی کشور خود بیفزایند.

اطلاعات موجود در این فهرست به ترتیب بر اساس کمیت قرآن، ابعاد و شکل ظاهری قطع آن، نوع خط، کیفیت کاغذ، تاریخ کتابت، نام کاتب، توصیف دو صفحه نخست و سپس چنانچه اطلاعاتی از صفحات دیگر در دست‌نوشته‌های عبدالحلیم افغانستانی وجود داشته، توصیف ختم آیات و احزاب، تعداد اوراق، نوع جلد و در چند مورد نادر انجام نسخه قرار گرفته است.